



دیوان پروین اعتصامی

مؤلف: پروین اعتصامی

ناشر: آثار قلم

ناشر همکار: کومه

به کوشش: سید رضا باقریان موحد

مجری طرح: مؤسسه طوبی

ناظر چاپ: حسین قوامیان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

صفحه و قطع: ۴۸۴ / وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی و چاپ: سیمای کوثر / پرستش

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۸۸-۲-۷



اعتصامی پروین ۱۲۸۵-۱۳۲۰

(دیوان)

دیوان پروین اعتصامی / به کوشش: سید رضا

باقریان موحد - قم: آثار قلم ۱۳۹۰

۴۸۴ ص.: مصور (رنگی).

۹۵۰۰۰ ریال ISBN 978-600-92888-2-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. سید رضا

باقریان موحد ویراستار. ب. عنوان.

۱/۶ فا ۸ د ۵۹۴۰ الف PIR ۷۶۱۴

الف ۱۳۹۰

۱۳۹۰

۲۲۶۵۱۳۴

۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۸۸-۲-۷



مراکز پخش: قم/ خیابان انقلاب/ مقابل بانک سپه/ پلاک ۲۲۱ / مؤسسه طوبی

تلفن: ۷۷۳۱۴۸۰ - ۷۷۴۶۷۵۴ - ۷۸۳۵۴۸۰ - ۰۲۵۱ فاکس: ۷۷۴۶۹۷۶

همراه: (بکاء) ۰۹۱۲۱۵۳۰۳۶۰ - ۰۹۱۲۷۴۹۸۹۰۰ (قوامیان)

اصفهان: چهار باغ خواجو/ جنب مسجد بقیه... (م) / نشر ثامن الائمه (ع)

تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۲۳۵۳۹ فاکس: ۰۲۲۱-۰۶۷۰



باغ نظم که در گلزار بهاری بود نهال طبع و اینتر برگ بهاری بود
 چکامه سخن من به صدف میمانست نه در برابر اعدا در شکاری بود
 امید است که کار آگاش پذیرفته به کارگاه ابراهیم بود کاری بود
 غبار شوق می از نور خورشید به چشم بهمن بر است که بر عرصه اش غباری بود
 من این دو دیم بهت زمانه میسر زمانه زرگرد نقاد بهیاری بود
 سیاه کردم در دریا بگورده وقت نگاهداشت بهر جاذبه یاری بود
 چو باغبان نگرانیده باغبان وجود به بوتاه که در آن گل نرود غاری بود
 بنود در خوار باب فضل گفته من درین صحیفه ناچیز یادگاری بود

پروین هتاسی

تهران - تیر ۱۳۱۴ - ۱۳۱۴



مقدمه

پروین اعتصامی فرزند یوسف اعتصام‌الملک در سال ۱۲۸۵ ه.ش. در تبریز ولادت یافت. از آنجا که پدرش مردی فاضل و دانشمند بود، آموختن زبان فارسی و عربی و تحصیلات ابتدایی را نزد پدر شروع کرد. پروین در همان کودکی به تشویق پدرش سرودن شعر را آغاز کرد و از همان زمان در مجالس ادب و فضلا، به همراه پدرش حاضر شد و از محضر بزرگانی چون ملک‌الشعراء بهار، بهره‌ها برد.

پروین در تیرماه سال ۱۳۰۳ ه.ش به مدرسه دخترانه آمریکایی رفت و از آنجا با موفقیت فارغ‌التحصیل شد. موضوع پایان‌نامه تحصیلی او که آن را در جشن فارغ‌التحصیلیش قرائت کرد «زن و تاریخ» است. او در این متن از ظلمی که مرد به شریک زندگی خود می‌کند و از وضعیت سیاه و نکبت‌بار و پررنج زنان مشرق زمین سخن گفت و شرط رهایی این ملت‌ها را تعلیم و تربیت درست زن و مرد اعلام کرد و این نوید را به دیگران داد که زن ایرانی سستی و جهل را

از خود دور و از پرتگاههای هولناک عبور می‌کند و این میسر نمی‌شود مگر آن که زنان آموزش‌های اساسی ببینند و خانواده‌ها از پایه و اساس اصلاح شوند. خانم شولر، مدیر مدرسه آمریکایی دختران در خاطرات خود از پروین چنین یاد می‌کند: «پروین با آن که از همان لحظه ورود به مدرسه آمریکایی معلومات فراوان داشت، اما بقدری متواضع بود که برای فراگرفتن هر موضوع تازه‌ای شوق نشان می‌داد. او اصولاً همه موضوعات را دوست داشت و دلش می‌خواست همه چیز را یاد بگیرد.»

از صفات برجسته این شاعره بزرگ، صداقت و صراحت اوست. او هیچ وقت بیش از حد به کسی اظهار علاقه و خود را صاحب افکار و عقایدی که نداشت، قلمداد نمی‌کرد. سرور مهکامه محصل از دوستان نزدیک پروین بود که بیش از دوازده سال با هم مکاتبه و مراوده داشتند. او پروین اعتصامی را خوش فکر، متواضع، خوش اخلاق، خوش رفتار و با محبت معرفی می‌کند.

پروین در همه سفرهای داخل و خارج، پدرش را همراهی کرد تا بر معلومات خویش بیفزاید و تجربه و اطلاعات جدیدی کسب کند. او با بلند نظری کامل پیشنهاد ورود به دربار را رد کرد و مدال وزارت معارف آن زمان را قبول نکرد. در نوزدهم تیرماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود ازدواج کرد و چهارماه پس از عقد، همراه او به کرمانشاه رفت. شوهر پروین از افسران شهربانی و در هنگام ازدواج با او، رئیس شهربانی کرمانشاه بود. خوی تند و خشن او با روح لطیف و آزاده پروین تناسبی نداشت. او در خانه‌ای پراز معنویت و ادب و به دور از هر آلاشی بزرگ شده بود و پس از ازدواج ناگهان وارد خانه‌ای شد که در آن دائماً بساط عیش و نوش پهن بود. تضاد عجیب این زن و مرد، بالاخره کار را به جدایی کشید و پس از دوماه و نیم زندگی و با بخشیدن حق و حقوق و حتی



صرف نظر کردن از مهریه خود، طلاق گرفت. از آن پس برای مدت کوتاهی چهره او را غبار اندوه پوشاند. خاطر پروین مکدر شده بود، اما این را کسی جز نزدیکان او نمی دانست. او تلخی شکست در زندگی زناشویی را با متانت عجیبی تحمل کرد و تا پایان عمر گلایه ای بر زبان نیاورد، اما در مجموعه اشعار او چند بیت در این باره دیده شده است:

ای گل، تو ز جمعیت گلزار چه دیدی

جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی

ای لعل دل افروز، تو با این همه پرتو

جز مشتری سفله به بازار چه دیدی

رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیب

غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی؟

مهارت و نبوغ پروین در حدی بود که ادبا و نویسندگان بر سر اصالت شخصیت او بحث می کردند. پروین اعتصامی بخصوص در سرودن قصاید، گوی سبقت را از معاصرین خود ربود. بسیاری او را در این نوع شعر، پیرو انوری دانسته اند. او در عمر کوتاه خود، یکی از معدود زنان ادب فارسی است که قله های رفیع تر از بسیاری از مردان را فتح کرد و یگانه شد. دیوان شعر پروین شامل ۶۵۰ بیت است که اغلب آنها قصیده، مثنوی و قطعه می باشند و به کوشش برادرش ابوالفتح اعتصامی به چاپ رسیده است.

با اینکه پروین زن بود ولی هیچگاه از خواهشهای نفس و دلبری و دلربایی زنانه، به گونه ای که آنها را وسیله ای برای لذت یابی قرار داده باشد، سخن نگفت. از نظر محتوا، مضامین نو مفاهیم بیانگر علاقه و دلسوزی به حال ضعفا، فراوان در شعر پروین دیده می شود. به طور کلی اشعار پروین جنبه



تعلیمی دارند و هدف او پند دادن و اندرز نمودن و آموختن و یاددادن است. پروین در سرودن قطعات خود، روش سؤال و جواب یا مناظره را پیش گرفته و از این طریق، از زبان پرندگان، مادران فقیر، و ضعفا اشعار بسیار زیبایی را سروده است. در قصاید پروین، انسان خواه ناخواه به یاد سبک و طریقت شاعری ناصرخسرو می‌افتد که به وعظ و ارشاد و بیان مسائل اخلاقی و اجتماعی مشغول شده است. با این حال آنچه باعث شده که سبک و طریقت سخنوری پروین از سراینندگان کلاسیک ادب فارسی متمایز باشد، حس بشردوستی عمیق، همدردی صمیمانه با فقرا و درماندگان است که در حقیقت نوعی دل‌تنگی و اعتراض ملایم همراه تصویر زنده‌ای از طبیعت و زندگی به حساب می‌آید، هنر اصلی پروین در این است که در نهایت روانی و استحکام، می‌تواند از زبان همه چیز سخن بگوید. مرغ و ماهی، صیاد و مرغ، مرغ و جوجه‌اش، مار و مور، دام و دانه و... اشعار او انسان را در حزنی دوست داشتنی فرو می‌برند و خیلی کم اتفاق می‌افتد که بخندانند، بلکه بیشتر انسان را به فکر فرو می‌برند. پروین به وظیفه و مسؤولیت هرکس اشاره می‌کند، مخصوصاً وظیفه زنان را در کسب علم و دانش و رسالت مهم مادر بودن و زن بودن. مرتب گوشزد می‌کند و نگران است، اما به ابراز نگرانی و ناراحت بودن خودش بسنده نمی‌کند، بلکه بلافاصله به یاد خدا و لطف او می‌افتد و خواننده را به لطف خدا امیدوار می‌کند.

اولین کسی که بر دیوان پروین اعتصامی نقد نوشت، دکتر لطفعلی صورنگر بود، و بعد از او علامه محمد قزوینی به این کار مبادرت ورزید.

ملک الشعراء بهار در مقدمه‌ای که بر دیوان پروین نوشته است چنین نقل می‌کند:



«شعر پروین ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل، و آن دو، یکی شیوه شعرای خراسان است، خاصه استاد ناصر خسرو، و دیگری شیوه شعرای عراق و فارس است، بویژه سعدی، و از حیث معانی نیز میان افکار و خیالات حکما و عرفاست، و این جمله با سبک و اسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم مادی و حقیقت‌جویی است، ترکیب یافته و شیوه‌های بدیع به وجود آورده است. در ایران که کانون سخن و فرهنگ است، اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده‌اند که مایه حیرت‌اند تعجب نیست، اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای قریحه و استعداد باشد و با این توانایی و طبع مقدمات تتبع و تحقیق، اشعاری چنین نفوذ و نیکو بسراید، از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید است.»

مرگ زودرس و بی‌هنگام شاعر در سوم فروردین ۱۳۲۰ در سن ۳۵ سالگی همه را تعجب‌زده کرد. او بدون هیچ سابقه بیماری، ناگهان در بستر افتاد و پس از سیزده روز، از دنیا رفت. جنازه او را به قم حمل کردند و در کنار پدرش که چهار سال قبل از دنیا رفته بود، در مقبره خانوادگی در جوار حرم مقدس حضرت معصومه (س) به خاک سپردند.

پروین برای سنگ مزار خود شعر زیبایی سروده است که در عین حال که حزن‌انگیز است، جهان‌بینی او را نیز آشکارا نشان می‌دهد:

این که خاک سیهش بالین است اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید هرچه خواهی سخنش شیرین است
صاحب آن همه گفتار امروز سایل فاتحه و یاسین است



دوستان به که ز وی یاد کنند
 خاک در دیده بسی جانفرسات
 بپند این بستر و عبرت گیرد
 هرکه باشی و ز هر جا برسی
 آدمی هر چه توانگر باشد
 اندر آنجا که قضا حمله کند
 زادن و کشتن و پنهان کردن
 غم آن کس که در این محنتگاه
 دل بی دوست دلی غمگین است
 سنگ بر سینه بسی سنگین است
 هرکه را چشم حقیقت بین است
 آخرین منزل هستی این است
 چون بدین نقطه رسد مسکین است
 چاره تسلیم و ادب تمکین است
 دهر را رسم و ره دیرین است
 خاطری را سبب تسکین است



www.ketab.ir